

A Shift in Foreign Policy-Making: An Examination of the Raisi Administration's Neighborhood Policy towards the Arab States of Persian Gulf

Authors:

Ali Bagheri Dolatabadi^{1*}

1. Professor in International Relations, Department of Political Sciences, Yasouj University, Yasuj, Iran. (Corresponding Author's Email: abagheri@yu.ac.ir)

Abstract

The efficacy of a state's foreign policy is fundamentally contingent upon its alignment with contemporary global conditions and systemic dynamics. As national capabilities and constraints evolve, governments are compelled to conduct continuous strategic reassessments of their internal and external environments, recalibrating previous policy frameworks accordingly. The administration of Ebrahim Raisi represented a distinct phase wherein Iran's regional diplomacy underwent a significant reorientation. This article addresses three central research questions concerning this policy shift: First, what were the core strategic objectives underpinning the Raisi administration's pursuit of its 'Neighborhood Policy'? Second, what specific imperatives governed the development of relations with Iran's southern neighbors under this framework? Third, what principal obstacles impeded the policy's implementation by the thirteenth administration? Utilizing an explanatory-analytical methodology, the study identifies four principal objectives: geo-economic order-building, diversification of geo-economic spheres of influence, institutionalizing regional stability and mutual understanding, and countering the alignment of Arab states with Israel. The analysis further delineates the policy's operational imperatives across four dimensions: adopting a strategic orientation centered on alliance and coalition-building; assuming and executing a foreign policy role as a mediating and bridging state; refraining from provocative and destabilizing actions within the region; and aligning Iran's security priorities with those of its neighbors while accepting collective responsibility for regional security. Moreover, the obstacles to policy implementation are systematically examined across three analytical levels: national (domestic), regional, and international, highlighting the multifaceted challenges confronting this diplomatic initiative.

Keywords: Iranian foreign policy; Ebrahim Raisi; Neighborhood Policy; Persian Gulf littoral states; Gulf Arab states; regional diplomacy; Iran's regional strategy

Citation: Bagheri Dolatabadi, Ali (2026), A Shift in Foreign Policy-Making: An Examination of the Raisi Administration's Neighborhood Policy towards the Arab States of Persian Gulf. *Iranian Journal of Public Policy*, 1 (1), 25-45.

DOI: <https://doi.org/10.22103/jogapp.2025.26421.1005>

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵

سایت مجله: jogappolicy.uk.ac.ir | شاپا الکترونیکی: 3115-946x

تاریخ پذیرش: ۲۰ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

چرخش در سیاستگذاری خارجی: نگاهی به سیاست همسایگی دولت رئیسی درخصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس

نویسندگان:

علی باقری دولت آبادی^۱

۱. استاد روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

(ایمیل نویسنده مسئول: abagheri@yu.ac.ir)

چکیده:

یکی از اصول موفقیت و کارآمدی سیاست خارجی دولت‌ها، انطباق آن با شرایط و مقتضیات زمان و نظام بین‌الملل است. محدودیت‌ها و مقدرات دولت‌ها در گذر زمان ثابت نمی‌ماند و این نکته می‌طلبد که دولت‌ها پیوسته وضعیت خود را از ابعاد داخلی و خارجی ارزیابی کرده و در سیاست‌های گذشته بازنگری کنند. دولت سید ابراهیم رئیسی را باید در زمره دوره‌هایی در نظر گرفت که سیاست خارجی ایران در بُعد منطقه‌ای دچار تحول شد. این تحول در پرتو مفهوم سیاست همسایگی اتفاق افتاد. مقاله حاضر می‌کوشد به سه سؤال درباره این سیاست خارجی جدید پاسخ دهد: ۱- هدف دولت ابراهیم رئیسی از پیگیری سیاست همسایگی چه بود؟ ۲- الزامات این سیاست خارجی در خصوص توسعه روابط با همسایگان جنوبی ایران چه بودند؟ و ۳- چه موانعی پیش روی دولت سیزدهم برای اجرای آن قرار داشت؟ برای پاسخ به این سؤالات از روش تبیینی - تحلیلی استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که هدف دولت از پیگیری این سیاست، نظم‌سازی ژئواکونومیک، متنوع‌سازی خوشه‌های نفوذ ژئواکونومیک، نهادینه کردن آرامش و تفاهم در محیط پیرامونی و دور کردن اعراب از اسرائیل بوده است. همچنین الزامات سیاست همسایگی در چهار مورد بررسی گردید: ۱- انتخاب جهت‌گیری مناسب برای سیاست خارجی (اتحاد و ائتلاف)، ۲- برعهده گرفتن و اجرای نقش مناسب در سیاست خارجی (دولت میانجی و پیونددهنده)، ۳- پرهیز از اقدامات تحریک‌آمیز و نگران‌کننده در منطقه، ۴- یکی شدن دغدغه‌های امنیتی ایران با همسایگان و پذیرش مسئولیت جمعی در تأمین امنیت منطقه. علاوه بر این، موانع پیگیری و اجرای سیاست همسایگی توسط ایران در سه بُعد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی توضیح داده شد.

کلمات کلیدی: سیاست خارجی ایران، ابراهیم رئیسی، سیاست همسایگی، کشورهای حاشیه خلیج فارس

استناد: باقری دولت آبادی، علی (۱۴۰۵)، چرخش در سیاستگذاری خارجی: نگاهی به سیاست همسایگی دولت رئیسی درخصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس. *سیاستگذاری عمومی*. ۱(۱)، ۴۵-۲۵.

DOI: <https://doi.org/10.22103/jogapp.2025.26421.1005>

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

ایران، پس از چین، با ۱۵ همسایه، پرهمسایه‌ترین کشور دنیا است (خلیلی، ۲۰۱۸: ۱۲۴). داشتن همسایگان بسیار، یک مزیت جغرافیایی است که می‌تواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری یک سیاست همسایگی منسجم فراهم نماید. این نوع سیاست، سه دهه است که مبنای روابط اتحادیه اروپا با همسایگان جنوبی و شرقی خود قرار گرفته و نقش مؤثری در توسعه روابط با آن‌ها ایفا کرده است (یونگبرگ، ۲۰۲۱)^۱. در کشور چین نیز اتخاذ سیاست همسایگی نقش مؤثری در ظهور پکن در جایگاه یک قدرت جهانی و کاهش اختلافات مرزی با همسایگانش ایفا کرده است (شودلیک-تاتار، ۲۰۱۵)^۲.

با وجود داشتن مزیت جغرافیایی فوق، مرور رخدادهای سیاسی و سیاست خارجی ایران طی چهار دهه گذشته بیانگر این است که این استراتژی جایگاه محوری در سیاست خارجی تهران نداشته است (باقری دولت‌آبادی و شفیع‌سیف‌آبادی، ۲۰۲۱).

دهه اول انقلاب ایران با موج صدور انقلاب به کشورهای همسایه و تنش در روابط فی‌مابین همراه شد. سیاستی که موجب گردید تا مرزهای ایران با همسایه غربی‌اش خیلی زود درگیر جنگی هشت‌ساله گردد و همسایگان جنوبی‌اش با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ در برابر آن صف‌آرایی نمایند (گرومت، ۲۰۱۵: ۱۴۴)^۳. ایران در مرزهای شرقی نیز ابتدا با کودتا در کشور همسایه و سپس اشغال آن توسط شوروی مواجه شد؛ تحولاتی که نه تنها روابط خارجی دو همسایه را تحت تأثیر قرار داد، بلکه موجی از آوارگان و مهاجران افغانستانی را روانه ایران کرد.

اگرچه دولت‌هایی همچون هاشمی رفسنجانی و خاتمی که در دهه دوم و سوم انقلاب در ایران بر سر کار آمدند، کوشیدند تا به تنش‌زدایی در روابط با همسایگان روی آورند، اما هیچ‌گاه ایران نتوانست از سیاست همسایگی برای یک دوره طولانی مدت و به شکلی پایدار و ثابت بهره‌مند گردد. اوج این ناکارآمدی و شکست در سال ۱۳۹۴، در دولت حسن روحانی و با تنش در روابط ایران و عربستان رقم خورد. قطع روابط دو کشور که متأثر از حمله به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد اتفاق افتاد، روابط ایران با همسایگان عرب جنوبی خود را یک بار دیگر به دوره سردی و قطع روابط فرو برد. آنچه بر آتش این سردی دمید، رویارویی سیاست‌های دو طرف در بحران سوریه و یمن بود. اگرچه تلاش‌هایی در سال آخر دولت دوازدهم برای احیای این روابط صورت گرفت، اما توفیقی حاصل نکرد.

با وجود شرایط فوق‌الذکر، ابراهیم رئیسی از زمان به قدرت رسیدن، پیوسته از سیاست همسایگی برای سیاست خارجی خود و گفت‌وگو با همسایگان سخن گفت (رئیسی، ۲۰۲۱). او در جریان مناظرات انتخاباتی در سال ۱۴۰۰ به شدت به رقبای خود (به‌ویژه عبدالناصر همتی) حمله نمود و از فرصت‌های ازدست‌رفته دیپلماسی اقتصادی ایران با همسایگان گلایه کرد (خبر آنلاین، ۲۰۲۱). او و اندیشکده‌های حامی وی بر این نکته تأکید می‌کردند که «۱۵ کشور همسایه ایران با دارا بودن ۵۶۰ میلیون نفر جمعیت، با ۱/۰۲ تریلیون دلار واردات، حدود ۶/۳ درصد از حجم ۱۶

¹ Jongberg

² Szczudlik-Tatar

³ Grumet

تریلیون دلاری واردات جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که ایران با ۲۳/۲ میلیارد دلار صادرات به این ۱۵ کشور همسایه، تنها ۲/۱۳ درصد از این بازار بزرگ را در اختیار دارد» (عرب‌پور، ۲۰۱۹).

به همین خاطر، این سیاست خارجی با آمدن ابراهیم رئیسی به کاخ پاستور، جای خود را در اظهارنظرهای سیاسی وی و مقامات دولتش باز کرد. در همین راستا، حسین امیرعبداللہیان، وزیر امور خارجه ایران، در برنامه‌ای که به مجلس ایران برای دوره چهارساله وزارت خود پیشنهاد نمود، از بازنگری در سیاست خارجی ایران در حوزه‌های مختلف، از جمله توسعه روابط با کشورهای همسایه، پیگیری نگرش آسیایی و نگاه به شرق خبر داد (خبر آنلاین، ۲۰۲۱/۸/۲۱).

او در خصوص تنش‌زدایی با عربستان، به عنوان کلیدی برای آشتی با سایر دولت‌های عربی، گفت: «ما به گفت‌وگوی بیشتری نیاز داریم. ما و عربستان به توافقات خاصی در موضوعات مشخص رسیدیم و از این گفت‌وگو استقبال می‌کنیم. گفت‌وگوی ما با عربستان به نفع منطقه است و این گفت‌وگویی سازنده است. ایران و عربستان دو کشور مهم هستند و نقش بسیار مهمی در تثبیت امنیت منطقه دارند» (امیرعبداللہیان، ۲۰۲۱).

در همین رابطه، محمد جمشیدی، معاون سیاسی دفتر ریاست جمهوری، گفت: «یکی از پایه‌های اصلی سیاست خارجی دولت رئیسی، سیاست همسایگی و تعامل حداکثری و چندجانبه‌گرایی اقتصادی است» (جمشیدی، ۲۰۲۱).

به منظور عملیاتی نمودن سیاست همسایگی و شناخت ابعاد مختلف آن، وزارت امور خارجه ایران برای اولین بار اقدام به برگزاری همایشی با عنوان «همایش ملی همسایگی» در ۴ بهمن ۱۴۰۰ نمود و تلاش‌ها برای شناخت بهتر سیاست همسایگی و یافتن راهکارهای موفقیت آن آغاز شد. به دنبال این همایش، اولین سفر منطقه‌ای رئیس‌جمهور به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در اسفند ۱۴۰۰ با سفر به قطر آغاز شد و ۱۴ سند همکاری امضا گردید. سه ماه بعد، در خرداد ۱۴۰۱، ابراهیم رئیسی دومین سفر منطقه‌ای خود را با سفر به عمان ادامه داد و در این سفر ۱۲ سند همکاری امضا شد.

در ادامه این تلاش‌ها، روابط ایران و امارات در تابستان ۱۴۰۱ و روابط ایران و عربستان در ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ احیا گردید. مرور تحولات فوق این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که هدف دولت ابراهیم رئیسی از تأکید بر سیاست همسایگی چه بود؟ الزامات پیگیری این سیاست در خصوص توسعه روابط با همسایگان جنوبی ایران چه بودند و دولت برای اجرای آن با چه موانعی مواجه بود؟

۱- پیشینه پژوهش

ادبیات مربوط به سیاست همسایگی در ایران ضعیف و در مراحل اولیه خود قرار دارد. این ادبیات علمی را می‌توان در سه دسته جای داد:

نخست، آثاری که تلاش نموده‌اند تا بر مبنای تجربیات اتحادیه اروپا و چین، پیشنهاداتی برای سیاست خارجی ایران در حوزه سیاست همسایگی عرضه کنند. این تجویزها کوتاه بوده و شکلی شعارگونه و کلی‌گویانه دارند (صباغیان، ۲۰۲۲؛ غورنانی، ۲۰۲۱).

در این میان، پژوهش کامروا و باقری دولت‌آبادی (۲۰۲۴) در زمره آثاری است که کوشیده است مختصات سیاست خارجی دولت ابراهیم رئیسی را به‌طور کلی تشریح سازد.

دوم، پژوهش‌هایی که ضرورت اتخاذ سیاست همسایگی از سوی ایران را به عنوان راهی برای رسیدن به منافع اقتصادی یا برون‌رفت از فشارهای ساختاری (انزوا، حصر ژئوپلیتیک و معمای امنیت) بررسی کرده‌اند. این دسته از آثار، با وجود ضعف‌های نظری و مفهومی، بیشتر نقش انگیزه‌بخشی به دولت برای تشویق آن به اتخاذ سیاست همسایگی و نیز دفاع از رویکرد انتخاب‌شده را ایفا کرده‌اند. عمده این ادبیات توسط مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران تولید شده است (اکبری و میرمحمدی، ۲۰۲۱؛ شیرغلامی، ۲۰۲۱؛ صفویان و فرهادی، ۲۰۲۱).

دسته سوم، آثاری هستند که به لحاظ تعداد محدودترند و تأثیر تحولات منطقه‌ای همچون صلح ابراهیم (۲۰۲۰) بر سیاست همسایگی ایران را بررسی نموده‌اند (اختیاری امیری و محمدی، ۲۰۲۱؛ حسینی، ۲۰۲۱).

در میان آثار نگاشته‌شده، هیچ پژوهشی به صورت مصداقی به سیاست همسایگی ایران با همسایگان جنوبی خود نپرداخته است. از آنجا که ۸ کشور از ۱۵ کشور تشکیل‌دهنده همسایگان ایران را این دولت‌ها تشکیل می‌دهند، مقاله حاضر می‌کوشد برای نخستین بار سیاست همسایگی ایران در خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس را مورد مطالعه قرار دهد.

۲- روش پژوهش

برای پاسخ به سؤالات پژوهش از روش کیفی از نوع تبیینی - تحلیلی استفاده گردید. در روش‌های کیفی از نوع تبیینی، داده‌های لازم به شیوه کتابخانه‌ای و اینترنت‌محور جمع‌آوری می‌شود. در پژوهش حاضر نیز از دو شیوه فوق برای گردآوری داده‌ها استفاده گردید.

۳- مبانی نظری پژوهش

با وجود اینکه مفهوم «سیاست همسایگی» یا به عبارت دقیق‌تر «سیاست حسن همسایگی» برای همه کنشگران سیاسی و پژوهشگران روابط بین‌الملل شناخته‌شده و به عنوان یک اصل اساسی و ضروری در سیاست بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود، اما تعریف مشخص و مورد اجماعی درباره آن وجود ندارد (لین، ۲۰۱۰: ۵).^۴ آنچه بیشتر به خلق این مفهوم کمک کرده است، عرف بین‌المللی در خصوص «حسن همجواری» است که دولت‌ها را متوجه این نکته می‌سازد که نباید خاک آن‌ها به محلی برای ضربه زدن به منافع همسایگان از سوی قدرت‌های ثالث تبدیل شود و یا اینکه دولت‌ها باید پیوسته در خصوص مسائل مرزی و امنیتی با یکدیگر گفت‌وگو داشته باشند و از هر آنچه حاکمیت و تمامیت ارضی یک همسایه را مخدوش می‌سازد، امتناع ورزند (کالیکا-میکولایچیک، ۲۰۱۹: ۱۳۷).^۵ در یک تعریف کلی می‌توان گفت مفهوم سیاست همسایگی را کنشی فعال مبتنی بر انتخابی مدبرانه دانست که می‌کوشد از طریق هم‌پیوندی، هم‌تکمیلی و درهم‌تنیدگی، روابطی پایدار مبتنی بر شبکه منافع متقابل با همسایگان ایجاد نماید (شیرغلامی، ۲۰۲۱: ۶۲). به بیان ساده، این سیاست نوعی اراده و برنامه‌ریزی برای استفاده از فرصت‌هایی است که جغرافیای همسایگی در اختیار کشورها قرار می‌دهد و مدیریت تهدیدهایی است که این جغرافیا در روابط ایجاد می‌کند (شیخ‌الاسلامی، ۲۰۲۲).

^۴ Lin

^۵ Kalicka-Mikolajczyk

ادبیات دانشگاهی سیاست همسایگی، علی‌رغم گذشت حدود یکصد سال از طرح آن توسط روزولت برای سیاست خارجی آمریکا، حتی در محافل علمی آمریکا نیز ضعیف و ناقص باقی مانده است (بک^۶، ۱۹۳۹: ۱۳۱-۱۱۰). این ضعف و کم‌توجهی به چند عامل مهم بازمی‌گردد: نخست، شروع جنگ جهانی دوم و کنار رفتن سیاست حسن همسایگی از دستور کار سیاست خارجی دولت‌ها و تبدیل شدن جنگ به گزینه اول دغدغه ذهنی آن‌ها. دوم، توجه صرف جریان اصلی نظریات روابط بین‌الملل به تاریخ غرب و تجربیات آن (معاهده وستفاليا، قرارداد ۱۸۱۵، جنگ جهانی اول و دوم و جنگ سرد) و نادیده گرفتن تاریخ سایر مناطق جهان و دوره‌های زیست مسالمت‌آمیز و توأم با احترام به ادیان و گروه‌ها (به عنوان مثال، دوره پادشاهی کوروش در امپراتوری پارس) (بوزان، ۲۰۱۶: ۱۵۶؛ تیکنر، ۲۰۱۶: ۱۵۸)^۷ و سوم، سلطه نظریه واقع‌گرایی بر محافل علمی و آکادمیک غرب و کم‌توجهی به سایر نظریه‌های زیرمجموعه لیبرالیسم (دان و همکاران، ۲۰۱۳)^۸.

برای سالیان سال، واقع‌گرایی نسخه‌ای برای سیاست خارجی دولت‌ها پیچید که بر پیگیری منافع ملی، خودیاری، سوءظن و بدبینی بین دولت‌ها تأکید داشت (آچاریا و بوزان، ۲۰۱۰: ۷).^۹ در این سیاست خارجی، فضای اندکی برای همکاری، هم‌زیستی، حسن همجواری، احترام به حاکمیت دیگر دولت‌ها دیده شد و در عوض تلاش گردید تا با تفسیری بدبینانه از امکان زیست دسته‌جمعی در جهان و توجه صرف به قدرت، بازدارندگی، امنیت، آنارشی و بی‌اعتمادی در میان دولت‌ها، دستاویزهای جدیدی برای مشروعیت بخشیدن به جنگ‌های نوین تحت عنوان «جنگ عادلانه» فراهم گردد (نک: والزر، ۱۹۷۷).^{۱۰} نسخه‌های جدید واقع‌گرایی تحت عنوان واقع‌گرایی تهاجمی حتی کوشیدند تصویری تاریک‌تر از آنچه پیش‌تر توسط والتز^{۱۱} برای جهان ترسیم شده بود و تقریباً نزدیک به دیدگاه هابز^{۱۲}، معرفی نمایند. مرشایم در این خصوص به صراحت اعلام می‌کند: «هدف دولت‌ها حداکثرسازی قدرت‌شان نسبت به سایر دولت‌ها [و نه تفاهم و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز] است» (میرشایمر، ۱۹۹۴-۱۹۹۵: ۵-۴۹)^{۱۳}.

در جهان مورد اشاره واقع‌گرایان، سیاست همسایگی به دلیل بی‌اعتمادی و ترس ناشی از احتمال فریب خوردن از سوی سایر دولت‌ها یا سلطه آن‌ها، جایگاه برجسته و محوری نداشته و ندارد. واقع‌گرایان سیاست همسایگی را نه به عنوان یک اصل در روابط خارجی دولت‌ها، بلکه به عنوان یک استثنا، آن هم برای یک دوره کوتاه‌مدت و گذرا، و تنها در پرتو اعمال دو اصل دیپلماسی و موازنه قدرت ملاحظه کرده‌اند. در همین رابطه، والتز استدلال می‌کند: «در سیاست بین‌الملل، قدرت نامتوازن خطرناک است، حتی اگر مربوط به آمریکا باشد» (والتز، ۱۹۹۱: ۶۷۰)^{۱۴}. لذا وظیفه دولت‌ها نه در پیش گرفتن سیاست همسایگی، بلکه دنبال کردن سیاست موازنه قدرت و تلاش برای حفظ آن است. اجرای چنین موازنه‌هایی مستلزم یارگیری‌های جدید و قطب‌بندی‌های تازه سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی میان کشورها خواهد بود.

⁶ Beck

⁷ Buzan, Tickner

⁸ Dunne et al

⁹ Acharya and Buzan

¹⁰ See: Walzer

¹¹ Waltz, 1979

¹² Hobbes, 2011

¹³ Mearsheimer

¹⁴ Waltz

بنابراین، سیاست همسایگی در یک نظام موازنه قدرت، تنها در پرتو معاهدات منعقدشده بین دولت‌ها و تا زمان عدم تغییر شرایط اولیه منتهی به قرارداد صلح، امکان حیات خواهد داشت. در غیر این صورت، این قدرت‌های بزرگ هستند که دستور کار سیاست در جهان را تعیین نموده و با استفاده از دیپلماسی می‌توانند شرایط را برای هم‌زیستی یا جنگ تعیین کنند. در این نظریه، هرگونه پیگیری سیاست همسایگی در سطوح منطقه‌ای نیز در سایه رضایت قدرت‌های بزرگ از موازنه قدرت حاکم بر آن منطقه و توافقات حاصل‌شده بین قدرت‌های بزرگ به وجود خواهد آمد. تصویر بدبینانه عرضه‌شده از سوی واقع‌گرایان از سرشت انسان و ماهیت دولت‌ها و ساختار نظام بین‌الملل، نقش مهمی در ایجاد این محدودیت فضا برای سیاست همسایگی ایفا کرده است. به نحوی که می‌توان گفت طبق این نظریه، دولت‌ها تا زمانی که منافع آن‌ها اقتضا خواهد کرد، خود را متعهد به پیمان‌ها، اتحادها و قراردادهای دوجانبه و چندجانبه خواهند ساخت و در صورت برهم خوردن توازن قدرت یا از دست دادن دستاوردهای نسبی، از همکاری و شرایط هم‌زیستی خارج خواهند شد (والت، ۱۹۸۵: ۳-۴۳).^{۱۵}

در نقطه مقابل واقع‌گرایی، لیبرالیسم به بستر اصلی رشد سیاست همسایگی، به‌ویژه در اروپا، تبدیل شده است. از منظر متفکرانی همچون سر آلفرد زیمرن و فیلیپ نوئل بیکر، صلح زمانی محقق خواهد شد که سیستم موازنه قدرت جای خود را به سیستم امنیت دسته‌جمعی (شامل ایده حکومت قانون) دهد و دولت‌ها رویه‌ها و مفاهیم داخلی (حاکمیت، قانون و...) را به عرصه بین‌المللی منتقل کنند (زیمرن، ۱۹۳۶).^{۱۶} ترسیم مناسبات حاکم بر دولت‌ها در قالبی اجتماعی (و نه ماقبل اجتماعی، همچون اشارات هابز) و در قالب محیطی که می‌توان همانند داخل کشور برای آن قانون‌گذاری کرد، فرصت‌های بیشتری برای سیاست همسایگی فراهم می‌آورد. به همین خاطر، سیاست همسایگی ابتدا در بعد نظری در قالب رویکردهای زیرمنطقه‌ای همچون کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، وابستگی متقابل و در بعد عملی در نهادهایی همچون مشارکت اروپا و مدیترانه، اتحادیه تجارت آزاد اروپا یا توافق‌نامه اقتصادی اروپا در میان دولت‌های اروپایی تجربه شد (تولمتس، ۲۰۰۶: ۲) و پس از آن بود که دیگر دولت‌ها به الگوبرداری ناقص از آن پرداختند.

لیبرال‌ها با تفسیری خوش‌بینانه از سرشت انسان، از همکاری، ضرورت احترام به حقوق دیگر دولت‌ها، حسن همجواری، پایبندی به قراردادهای حاکمیت قانون، عدم توسل به زور و عدم مداخله در امور همسایگان و دیگر دولت‌ها سخن گفتند (بورچیل، ۲۰۰۵: ۶۵-۸۱).^{۱۸} اگرچه این اصول در دوران جنگ سرد و تضادهای ایدئولوژیک امکان تحقق در سراسر جهان را پیدا نکرد، اما به تدریج و با گذر از این دوران و ورود به عصر پساجنگ سرد، شرایط برای پیگیری سیاست همسایگی بیشتر فراهم گردید. این سال‌ها مقارن با شکل‌گیری اتحادیه اروپا در دهه ۱۹۹۰ و پیگیری سیاست گسترش اعضا در قرن ۲۱ بود.

در سال ۲۰۰۲ و با آغاز فرایند پیوستن ۱۰ عضو جدید به اتحادیه اروپا، بحث حسن همسایگی به یکی از مهم‌ترین دستورکارهای سیاست خارجی این اتحادیه تبدیل شد. در واقع، اتحادیه اروپا که درگیر فرایند گسترش خود و افزایش اعضا بود، می‌خواست «نظم جدیدی را در روابط همسایگان قدیم و جدید شکل دهد» و تضمین سازد که توسعه

¹⁵ Walt¹⁶ Zimmer¹⁷ Tulmets¹⁸ Burchill

اتحادیه اروپا در بیرون با «حلقه‌ای از دوستان» در همسایگی روبه‌رو خواهد شد (اسمیت، ۲۰۰۵: ۷۵۷)^{۱۹}. دولت‌های اروپایی از سال ۲۰۰۳ برای تقویت ثبات، امنیت و خوشبختی در مناطق همسایه اروپا، به‌ویژه در شرق و جنوب، سیاست همسایگی را آغاز کردند و در سال ۲۰۱۵ کمیسیون اروپا، سیاست همسایگی را تصویب کرد و راه‌حل‌هایی برای مشارکت مؤثرتر پیشنهاد داد (کمیسیون اروپا، ۲۰۱۵).

تجربه ایران برای دنبال کردن سیاست همسایگی به عنوان دستورکار سیاست خارجی دولت ابراهیم رئیسی، با آنچه در اروپا در بستر لیبرالیسم در پیش گرفته شده، تفاوت‌هایی دارد. به نظر می‌رسد سیاست همسایگی ایران بیشتر با دیدگاه‌های واقع‌گرایی انطباق دارد. ایران از زمان خروج ترامپ از برجام با تحریم‌های شدیدی مواجه گردید که اقتصاد این کشور را ضعیف ساخت. از آنجا که تمامی انتظارات برای احیای برجام در دوران بایدن با ناکامی مواجه شد، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک این کشور به اولویت اول سیاست خارجی تهران تبدیل شد. ایران کوشید با بهبود و توسعه روابط خود با همسایگان و سرمایه‌گذاری بر روی دالان‌های اقتصادی همچون دالان شمال - جنوب و شرق به غرب، آینده اقتصاد منطقه را به جغرافیای خود گره زند.

این نگاه ایران را می‌توان چرخشی جدید در مفهوم سیاست همسایگی تلقی کرد؛ سیاست همسایگی‌ای که ابتدا بر توسعه روابط در جغرافیای پیرامون و همسایگان هم‌مرز تأکید داشت، سپس از مرحله مرزها و کشورهای همجوار عبور کرد و به مرزهای فرهنگی و اشتراکات دینی، تاریخی و زبانی توسعه یافت و اینک در ایستگاه ژئوپلیتیک توقف کرده است. بر این اساس، می‌توان گفت این ایده که جغرافیا می‌تواند به عنوان عامل صلح و تقویت روابط دولت‌ها تلقی شود، دوباره در حال احیا شدن است.

۴- اهداف دولت سیزدهم برای پیگیری سیاست همسایگی

اهداف سیاست خارجی ابراهیم رئیسی برای دنبال نمودن سیاست همسایگی را در چهار عامل نظم‌سازی ژئواکونومیک، متنوع‌سازی خوشه‌های نفوذ ژئواکونومیک، نهادینه کردن آرامش و تفاهم در محیط پیرامون و دور کردن اعراب از اسرائیل می‌توان بررسی کرد:

۴-۱- نظم‌سازی ژئواکونومیک

هدف نخست ایران از سیاست همسایگی، نظم‌سازی ژئواکونومیک است. ایران این هدف را در قالب دیپلماسی اقتصادی دنبال می‌نماید. چندجانبه‌گرایی نهادی درون منطقه‌ای و چندجانبه‌گرایی اقتصادی فرامنطقه‌ای از جمله فضاهایی هستند که دولت‌ها با خلق و تقویت آن‌ها به دنبال مشارکت در معماری نظم ژئوپلیتیکی مناطق‌اند. در دو دهه اخیر، عضویت در ترتیبات تجاری منطقه‌ای به یکی از ابزارهای دیپلماسی اقتصادی تبدیل شده است. تا سپتامبر ۲۰۱۹ بیش از ۴۸۱ موافقت‌نامه تجارت منطقه‌ای (دوجانبه و چندجانبه) به سازمان تجارت جهانی اعلام شده بود (الهی و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۰). حدود ۹۷ درصد از کل تجارت جهانی متعلق به کشورهایی است که دست‌کم در یکی از موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی عضو هستند؛ این در حالی است که در سال ۱۹۹۰ این نسبت حدود ۷۲ درصد بود (عباسی خوشکار، ۲۰۲۱: ۲۰۲).

¹⁹ Smith

در دو دهه اخیر، تصرف بازارهای اقتصادی کم‌ارزش‌تر از تصرف سرزمینی نبوده است؛ به طوری که تحریم کالاها و خدمات یکی از ابزارهای دولت‌ها در جهت تسلیم رقبا بوده است. طبق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، ایران در سال ۱۴۰۴ باید به جایگاه اول اقتصاد منطقه دست یابد و رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی را تجربه نماید. ماده ۴ برنامه پنج‌ساله ششم توسعه بر اولویت اقتصاد در تنظیم روابط ایران با کشورهای صاحب فناوری، به منظور جذب دانش و نوآوری و توسعه بازارهای صادراتی خدمات فنی و مهندسی و کالاهای ایرانی، و تلاش برای الحاق به سازمان تجارت جهانی تأکید می‌کند (سازمان پان و باجت، ۲۰۱۷: ۲۳).^{۲۰} ماده ۱۳ همین قانون، دولت را موظف به انعقاد پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه و پیمان‌های پولی با کشورهای طرف تجارت ایران و کشورهای هدف، به‌ویژه کشورهای منطقه، می‌نماید (سازمان پان و باجت، ۲۰۱۷: ۴۰).

سهم ایران از واردات ۱۱۸۰ میلیارد دلاری ۱۵ کشور همسایه تنها حدود یک درصد بوده، ولی این رقم در هدف‌گذاری، ۴ درصد اعلام شده است. ظرفیت بازارهای کشورهای همسایه نه تنها می‌تواند در خدمت توسعه اقتصاد ایران قرارگیرد، بلکه به تحقق اهداف راهبردی منطقه‌ای تهران در قالب تثبیت نفوذ سیاسی و ایجاد سازوکارهای ثبات منطقه‌ای کمک کند. حتی فراتر از به دست آوردن بازارهای کشورهای همسایه، ایران می‌تواند با شبکه‌سازی و ایجاد زنجیره‌های ارزش متقابل برای خود منافع پایدار ایجاد کند (شیرغلامی، ۲۰۲۱: ۵۹). بنابراین، صادرات ۲۴ میلیارد دلاری ایران باید به بیش از ۵۰ میلیارد دلار برسد. در شش‌ماهه سال ۱۴۰۱، صادرات ایران به ۱۵ کشور همسایه با ارزش ۱۲.۳ میلیارد دلار، برای اکثر این کشورها با رشد همراه بوده؛ به طوری که ارزش صادرات ایران به ۱۱ کشور همسایه بین ۳ تا ۵۰۰ درصد بیشتر شده است (روزنامه ایران، ۲۰۲۲/۱۰/۲۲).

جدول ۱. صادرات ایران به دولت‌های عرب همسایه - برحسب دلار

کشور	۱۴۰۰	شش ماهه نخست ۱۴۰۱	درصد کاهش یا افزایش
عراق	۸۷۴۵۴۶۴۲۹۵	۳۳۸۲۰۰۰۰۰۰	کاهش ۱۲ درصدی
امارات متحده عربی	۴۸۴۸۲۰۲۸۳۷	۳۱۱۲۰۰۰۰۰۰	رشد ۳۹ درصد
عمان	۷۱۶۰۰۰۰۰۰	۵۴۲۰۰۰۰۰۰	رشد ۹۵ درصدی
کویت	۱۵۴۳۷۲۸۲۴	۸۲۰۰۰۰۰۰	رشد ۲۶ درصدی
قطر	۱۳۱۶۰۵۲۶۰	۶۵۰۰۰۰۰۰	کاهش ۱۳ درصدی
بحرین	۹۵۶۷۰۲۰	۳۹۰۰۰۰۰۰	رشد ۲۱ درصدی
عربستان	۴۱۴۰۵	۲۴۶۵۰۹	رشد ۵۳۲ درصدی

(Iran Trade Promotion Organization, 2022)

۲-۴- متنوع‌سازی خوشه‌های نفوذ ژئواکونومیکی در مناطق پیرامون

هدف دوم ایران از سیاست همسایگی، متنوع‌سازی خوشه‌های نفوذ ژئواکونومیکی در مناطق پیرامون و همسایه است. ایران در سال ۲۰۲۲ موفق گردید با عضویت در سازمان شانگهای و عضویت ناظر در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، خوشه ژئواکونومیکی آسیای میانه و قفقاز را فعال سازد. این عضویت موجب تخفیف‌های تعرفه‌ای جهت افزایش صادرات

²⁰ Pan & Budget Organization

و متنوع سازی بازارهای صادراتی می شود. بر اساس این توافق، نرخ عوارض وارداتی ایران برای کالاهای صنعتی به طور متوسط ۷ درصد و برای کالاهای کشاورزی ۱۹ درصد کاهش می یابد (سیمبار و غلام نیا، ۲۰۲۱: ۱۰). با توجه به محدودیت های اقتصادی ایجاد شده در نتیجه تحریم ها، ایران امیدوار است این اقدامات به کاهش فشارهای اقتصادی کمک نماید و بخشی از مشکلات کشور را از طریق جذب سرمایه خارجی و بهره گیری از بانک های توسعه این سازمان ها مرتفع نماید.

علی رغم موفقیت فوق در حوزه آسیای میانه و قفقاز، ایران موفقیتی در فعال سازی خوشه ژئواکونومیک خلیج فارس نداشته است. به همین خاطر، توسعه روابط اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج فارس به یکی از دستورکارهای سیاست خارجی ایران تبدیل شده است. موفقیت آینده ایران منوط به این است که بتواند خود را در نظم های منطقه ای و جهانی قرار دهد. این امر، با توجه به سرعت شکل گیری اتحادیه ها و توافقات تجاری و روند چندلایه افزایش پیچیدگی روابط بازیگران دولتی، یک ضرورت محسوب می شود (شویونگ و بوران، ۲۰۲۰: ۶).^{۲۱} کشورهای عربی از منابع مالی و بازارهای مصرفی گسترده ای برخوردار هستند. گشایش این بازارها به روی محصولات کشاورزی و صنعتی ایران می تواند به جهش اقتصادی ایران کمک نماید.

ایران حتی نیم نگاهی به دیپلماسی سلامت دارد و امیدوار است با توجه به پیشرفت های پزشکی، کشورهای عربی به رونق گردشگری سلامت در ایران کمک نمایند (باقری دولت آبادی و کامروا، ۱۳۹۰). همان گونه که کارشناسان اقتصادی ایران اظهار می دارند، تنوع بخشیدن به صادرات و منابع ارزی، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه همچون ایران، دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک الزام است (سپهری، قزوینی و پولیمی، ۱۳۷۹: ۲۳-۴۱). در صورتی که این اتفاق هرچه سریع تر رخ ندهد، بازارهای منطقه ای و جهانی به روی ایران و کالاهای آن بسته خواهد شد و دیگر به آسانی نمی توان این بازارها را تصاحب کرد. خلیل شیرغلامی، کارشناس ارشد مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه ایران، در توضیح هدف دولت رئیسی از سیاست همسایگی می نویسد: «عامل اصلی در برجسته شدن این مفهوم که به نوعی مکمل مفهوم قبلی نگاه به شرق محسوب می شود، توجه به ضرورت مساعدتر شدن محیط پیرامونی و کاهش تکان های ناشی از تحریم های آمریکا و اثرات آن بر اقتصاد کشور و تدبیر چالش های ناشی از آن در فضای فرصت های همسایگی بوده است» (شیرغلامی، ۲۰۲۱: ۴۱-۴۵).

۳-۴- نهادهای کردن آرامش و تفاهم در محیط پیرامون ایران

هدف سوم ایران از پیگیری سیاست همسایگی، نهادهای کردن آرامش و تفاهم در محیط پیرامون خود است. ایران روابط پرتنشی را با همسایگان خود تجربه کرده است. مقامات ایرانی ملت های منطقه را عموماً با واژه هایی همچون «برادر دینی» مخاطب قرار می دهند و خود را در قبال شرایط آن ها مسئول می خوانند. استفاده از ادبیات «برادری»، «سرنوشت مشترک»، «اسلام» و... که در ابتدای انقلاب، فارغ از نگاه های ملی و منفعت طلبانه از سوی ایران بیان می گردید، نفوذ ایران را در میان این ملت ها عمق می بخشید (ماتیسن، ۲۰۱۹: ۲۲). توجه به سطح روابط میان ملت ها باعث گردید که در توسعه روابط بین دولت ها مشکل ایجاد شود. نتیجه این ملت گرایی و توجه به جنبش های سیاسی

²¹ Shuyong & Boran

²² Matiesen

و مذهبی این شد که ایران اکنون خود را در حلقه‌ای از سوءتفاهمات اسیر می‌بیند که برای رهایی از آن گزینه‌ای جز سیاست حسن همسایگی و بازگشت به دولت‌گرایی وجود ندارد.

در مرزهای شرقی ایران نیز بار دیگر طالبان به قدرت رسیده است که ایران آن را ادامه تفکر مذهبی افراطی (که از سوی عربستان، قطر و امارات در منطقه تقویت مالی می‌شود) می‌داند. دوری از همسایگان عرب، به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس، موجب گردیده تا آنان طالبان را اهرمی برای فشار بر ایران قرار دهند و تهران به این نکته آگاه است که بدون قطع حمایت‌های مالی از طالبان، قادر به کنترل این جنگجویان تندرو نیست.

ایران در مرزهای جنوبی و غربی خود از سال ۲۰۲۰ شاهد تنش‌زدایی در روابط اعراب و اسرائیل بوده است. محور این دوستی بر دشمنی با ایران قرار داده شده است. اتحاد امنیتی اعراب و اسرائیل موجب گردیده تا آسیب‌پذیری ایران در سوریه و عراق بیش از گذشته گردد. در این خصوص، اسرائیل مدعی است تا سال ۲۰۲۲ حدود ۴۰۰ حمله هوایی در سوریه و سایر بخش‌های خاورمیانه برای ضربه زدن به منافع ایران انجام داده است. رهبران اسرائیل از این کارزار به عنوان «جنگی میان جنگ‌ها» یاد می‌کنند که هدف آن بازدارندگی در مقابل ایران و تضعیف توانایی آن برای ضربه زدن به اسرائیل است (نیشنباوم، ۲۰۲۲: ۱).^{۲۳}

آنچه برای تهران روشن و واضح است، این است که ائتلاف اسرائیل و اعراب به یک دردسر استراتژیک برای ایران تبدیل شده که مسیر حفظ و تقویت مناسبات مطلوب با همسایگان جنوبی را دشوار ساخته است (اختیاری امیری و محمدی، ۲۰۲۱: ۱۴۴). حفظ آرامش و امنیت در مرزهای ایران مستلزم برهم زدن نظم منطقه‌ای موجود و طراحی نظامی جدید بدون حضور اسرائیل است. الگوی متوازن و کنترل‌شده سیاست همسایگی می‌تواند علاوه بر افزایش قدرت ملی ایران، با کاهش تنش، احیای اعتماد و بهبود تعاملات منطقه‌ای، فرصت‌هایی را برای توسعه کل منطقه آسیای جنوب غربی فراهم کند (قربانی، ۲۰۲۱: ۸۹).

۴-۴- بهبود چهره ایران در منطقه

هدف چهارم ایران از پیگیری سیاست همسایگی، بهبود چهره ایران در منطقه است. همان‌گونه که «نای» توضیح می‌دهد، سیاست خارجی در صورتی که مشروع، موجه و دارای اقتدار اخلاقی باشد، در زمره منابع قدرت نرم محسوب می‌شود و سیاست خارجی‌ای که مبتنی بر زور و اقدامات نامشروع در عرصه بین‌المللی باشد را نمی‌توان سازنده قدرت نرم در نظر گرفت (نای، ۲۰۰۴: ۲۱-۴۳).^{۲۴}

ایران طی چهار دهه اخیر به ابژه ترس کشورهای همسایه تبدیل شده است. اگر در گذشته صدور انقلاب باعث ترس و نگرانی کشورهای همسایه بود، امروز بدبینی کشورهای عرب همسایه نسبت به اهداف برنامه‌های هسته‌ای و نظامی ایران عامل این ترس است. با وجود اینکه ایران مدعی است برنامه هسته‌ای آن اهداف صلح‌آمیز دارد و صرفاً برای بازدارندگی تدارک دیده شده است، اما از نگاه دولت‌های عرب منطقه، ایران به دنبال سلطه و رهبری بر خاورمیانه است (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۱: ۲۳۶-۲۳۹). این ترس موجب گردیده تا هرچه بیشتر از ایران فاصله گرفته و به

²³ Nissenbaum

²⁴ Nye

آمریکا و اسرائیل نزدیک تر شوند. فضای ایران‌هراسی که به شدت در حال افزایش است، می‌تواند آینده برنامه‌های منطقه‌ای ایران را به خطر اندازد (رابینسون، ۲۰۲۲: ۱-۴) ۲۵.

دولت ابراهیم رئیسی تلاش نمود تا در بستر سیاست همسایگی فضایی برای گفت‌وگو و اعتمادسازی ایجاد نماید تا بتواند برنامه‌های بلندمدت ایران را پیش ببرد. به اعتقاد محمدتقی حسینی، کارشناس وزارت امور خارجه ایران، «منطقه خلیج فارس از بحران‌های متعددی رنج می‌برد. اعتماد در این منطقه به شدت آسیب دیده است و کشورهای منطقه نیاز دارند تا برای برقراری ثبات و بر خورداری از رفاه و قرار گرفتن در مسیر توسعه، قبل از هر چیز اعتماد را به منطقه بازگردانند» (حسینی، ۱۴۰۰: ۴۶-۴۷).

۵- الزامات سیاست حسن همسایگی

سیاست حسن همسایگی، سیاستی است که حداقل برای آن چهار مشخصه می‌توان در نظر گرفت: نخست اینکه نسبت به محیط منطقه و بین‌المللی جهت‌گیری درستی داشته باشد. دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به محیط پیرامون خود بی‌توجه باشند. در واقع، آن‌ها در جغرافیای مشخصی زیست می‌کنند که آن را داوطلبانه انتخاب نکرده‌اند، بلکه بر آن‌ها تحمیل شده است. اما این به معنای اسیر جغرافیا شدن نیست و می‌توانند در جهت بهبود فضای سیاسی آن تلاش نمایند. خاورمیانه (به عنوان یک فضای جغرافیایی که ایران در آن واقع شده است) «امنیتی‌ترین منطقه در سطح نظام بین‌المللی» است (بوزان، ۲۰۰۲) ۲۶. علی‌رغم تلاش‌هایی که تاکنون از سوی کشورهای خاورمیانه برای فائق آمدن بر مشکلات فوق و ایجاد وحدت و هم‌گرایی صورت گرفته، اما آنچه تاکنون بیشتر خودنمایی کرده، اختلاف‌نظرهای سیاسی و تعارض منافع اقتصادی بوده است (رضایی، ۲۰۱۹: ۱۶۳-۱۸۷). سیاست همسایگی ایران برای موفقیت در چنین محیط آشوبناکی نیازمند انطباق صحیح با شرایط منطقه است. ایران بدون حمایت و همراهی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس قادر به تأمین امنیت جریان آزاد انرژی و مقابله با خطراتی همچون تروریسم نیست. آنچه نیاز امروز منطقه است، تشکیل اتحادها و ائتلاف‌هایی برای مقابله با تروریسم، جرایم سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر و ناامنی است.

دومین خصوصیت یک دیپلماسی همسایگی موفق، برعهده گرفتن و اجرای نقش مناسب در روابط با سایر کشورهای همسایه است. هالستی با مطالعه‌ای که بر روی محتوای سخنرانی‌های سیاست‌گذاران طراز اول ۷۱ کشور طی سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ انجام داد، به این نتیجه رسید که دست‌کم ۱۶ نوع نقش ملی وجود دارند که بخشی از سیاست خارجی دولت‌ها را تشکیل می‌دهند. این نقش‌ها عبارت‌اند از: ۱- سنگرانقلاب و رهایی‌بخش؛ ۲- رهبر منطقه؛ ۳- حافظ منطقه؛ ۴- دولت مستقل فعال؛ ۵- حامی جنبش‌های رهایی‌بخش؛ ۶- عامل ضد امپریالیست؛ ۷- مدافع اعتقادی خاص؛ ۸- دولت میانجی و پیونددهنده؛ ۹- همیار در ایجاد نظام فرعی منطقه‌ای؛ ۱۰- دولت کمک‌کننده به توسعه؛ ۱۱- دولت رابط؛ ۱۲- متحد وفادار؛ ۱۳- دولت مستقل؛ ۱۴- دولت سرمشق؛ ۱۵- توسعه داخلی؛ و ۱۶- توازن‌بخش (هولستی، ۱۹۹۴: ۲۰۵-۱۹۷) ۲۷.

²⁵ Robinson

²⁶ Buzan

²⁷ Holsti

نقش‌های ملی در سیاست خارجی تعیین می‌کند یک دولت در یک وضعیت خاص و دوره زمانی معین چگونه خود را با جهان خارج مربوط سازد و چه هدف‌های عام و خاصی را در رابطه با دیگر بازیگران بین‌المللی دنبال کند. مرور سیاست خارجی ایران در منطقه خاورمیانه طی چهار دهه گذشته بیانگر این است که ایران پیوسته کوشیده تا نقش حامی جنبش‌های رهایی‌بخش، سنگرانقلاب، رهبر منطقه و دولت سرمشق را ایفا نماید (محمدی، ۱۳۸۴: ۵۱-۸۴). برعهده گرفتن این نقش‌ها ایران را در تعارض با همسایگان خود قرار داده است (ایغانی، ۲۰۱۶: ۳). از میان نقش‌های معرفی شده هالستی، نقش‌های دولت میانجی و پیونددهنده، همیار در ایجاد نظام فرعی منطقه‌ای و دولت کمک‌کننده به توسعه، نقش‌هایی هستند که بیشترین تناسب را با سیاست حسن همسایگی دارند. بنابراین، ایران برای داشتن یک سیاست حسن همسایگی باید نقش‌های جدیدی برای سیاست خارجی خود تعریف نماید.

سومین ویژگی سیاست حسن همسایگی، پرهیز از اقدامات تحریک‌آمیز و نگران‌کننده در منطقه است. به عبارت دیگر، دولت‌هایی که از سیاست حسن همسایگی حمایت می‌کنند با صفاتی همچون اتخاذ مدارا، خویش‌داری، همزیستی مسالمت‌آمیز، عدم مداخله در امور دیگر دولت‌ها و همکاری در چارچوب اصول حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد شناخته می‌شوند. این دولت‌ها اجازه می‌دهند تا پنجره گفت‌وگو با دیگر دولت‌ها همواره باز بماند و دیپلماسی تقویت شود. آن‌ها از هرگونه اقدامی که موجب سوءبرداشت و سوءتفاهم سیاسی گردد، امتناع نموده و در عوض تلاش می‌کنند در برنامه‌های سیاسی و نظامی خود شفاف‌سازی کنند و راه‌حلی برای پایان دادن به اختلافات بیابند (وود، ۱۹۶۱)^{۲۸}. این شفاف‌سازی علاوه بر اینکه نگرانی‌های امنیتی همسایگان را برطرف می‌نماید، زمینه را برای رسیدن به یک نظم مورد اجماع، مناسب و دربردارنده منافع همه همسایگان فراهم می‌سازد. در طول یک دهه اخیر، سیاست خارجی ایران از سوی آمریکا با واژگانی همچون «اقدامات تحریک‌آمیز»، «نگران‌کننده» و «بی‌ثبات‌ساز» به جهانیان، به‌ویژه همسایه‌های جنوبی ایران، معرفی شده است. اگرچه ایران می‌کوشد در این جنگ رسانه‌ای و تصویرسازی غلط از تهران پیروز گردد، اما تاکنون کمتر موفق بوده است.

چهارمین ویژگی سیاست حسن همسایگی، درهم‌تیدگی دغدغه‌های امنیتی همسایگان و پذیرش مسئولیت جمعی در تأمین امنیت منطقه است. کشورهای که در یک منطقه جغرافیایی زندگی می‌کنند، به تعبیر باری بوزان امکان تشکیل مجتمع‌های امنیتی را دارند؛ زیرا عموماً از تهدیدات خارجی واحدی رنج می‌برند. طبق استدلال باری بوزان، «مناطق، پهنه جغرافیایی یا فرهنگ یا الگوهای از وقایع جاری یا حاصل توهّمات تحلیل‌گران، گفتمان‌های موجود پیرامون منطقه‌گرایی نیستند. مجموعه امنیتی منطقه‌ای محصول تعاملات اجتماعی بازیگران آن، چه به صورت آگاهانه و چه غیرآگاهانه است که فرایندهای امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی در بستر آن به شدت به یکدیگر گره خورده است» (بوزان و ویور، ۲۰۰۳: ۴۸۱)^{۲۹}.

آنچه در حوزه خلیج فارس و در روابط ایران و همسایگان اتفاق افتاده است، به جای تشکیل یک مجتمع امنیتی و درک درست از خواسته‌ها و منافع دیگر کشورها، به‌ویژه نگرانی‌های امنیتی آن‌ها، تلاش برای امنیتی کردن موضوعات مختلف سیاسی و فرهنگی بوده است. «بوزان و ویور» امنیتی کردن را فرایندی گفتمانی در نظر می‌گیرند که «از طریق

²⁸ Wood

²⁹ Buzan & Weaver

آن یک مفاهمه بین‌الذهانی در جامعه سیاسی شکل می‌گیرد تا چیزی به مثابه تهدیدی حیاتی نسبت به موضوعی ارزشمند محسوب شود و جامعه را قادر گرداند تدابیر فوری و استثنایی برای برخورد با تهدید اتخاذ کند» (بوزان و ویور، ۲۰۰۳: ۶۹۱). بنابراین، امنیتی کردن ایجاد فضای بین‌الذهانی و توجیه تهدید وجودی با شاخص‌های کافی در جهت نتایج قابل توجیه سیاسی است. در این فرایند، هر چیزی از مذهب و دین گرفته تا هویت، محیط زیست، حقوق بشر، برنامه هسته‌ای و غیره، قابلیت امنیتی شدن دارد. نگاهی به سیاست خارجی ایران و همسایگانش در منطقه نشان می‌دهد دو طرف در یک فرایند امنیتی کردن درگیر شده‌اند (عبودی و فهمی، ۲۰۱۷؛ سلاما، ۲۰۲۱). رویه‌هایی از این دست با سیاست حسن همسایگی که مبتنی بر احترام به استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر و تضمین منافع و اهداف مشروع همسایگان است، تطابق ندارد.

ویژگی‌های چهارگانه فوق به هیچ وجه به معنای این نیست که ایران برای همه دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس سیاست همسایگی یکسانی در پیش گیرد؛ بلکه به این معناست که اصول چهارگانه فوق باید بر همه این روابط حاکم باشد. بنابراین، تهران می‌تواند بر حسب شرایط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر کدام از این کشورها سیاست ویژه‌ای اتخاذ کند (خلیلی، ۲۰۱۸). آنچه وجه مشترک همه این سیاست‌ها می‌تواند قرار گیرد، این است که ایران بهترین راه دسترسی این کشورها به آسیای میانه، قفقاز و دریای خزر است. این مسیر جغرافیایی می‌تواند برای تهران دو نقش تعریف نماید: نقش راهرویی (اتصال کشورهای شمال ایران به کشورهای حاشیه جنوبی ایران) و نقش پل (انتقال کالا و دادوستد اقتصادی بین دو منطقه آسیای میانه و قفقاز و حوزه جغرافیایی خلیج فارس).

۶- سیاست حسن همسایگی و موانع پیش روی دولت سیزدهم

موانع پیش روی دولت ابراهیم رئیسی در پیگیری سیاست حسن همسایگی را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان دسته‌بندی نمود.

۶-۱- سطح ملی

در سطح ملی، ابراهیم رئیسی در حالی سیاست همسایگی را پی گرفت که بر سر سیاست حسن همسایگی در میان تصمیم‌گیرندگان سیاسی اجماع نظر وجود نداشت. کما اینکه خود مفهوم سیاست همسایگی نیز به لحاظ مبانی، معنا و حدود و ثغور، دقیق تعریف نشد و پشتوانه نظری آن مشخص نگردید (شیرغلامی، ۲۰۲۱: ۵۲). از میان دو طیف سیاسی در ایران، گفتمان اصلاح‌طلبی طی چهار دهه گذشته بیشترین اقبال را به تنش‌زدایی با همسایگان نشان داده و در عوض، گفتمان اصولگرایی بر پایبندی به اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و صدور انقلاب به منطقه تأکید کرده است. تاکنون هیچ موضع‌گیری در جهت حمایت از سیاست حسن همسایگی از سوی جریان اصولگرایی و نهادهایی که در سیاست خارجی ایران اثرگذار هستند، مشاهده نشده است. لذا تا زمانی که شفافیت مفهومی و وحدت گفتمانی در خصوص سیاست همسایگی در ایران شکل نگیرد، این سیاست نمی‌تواند اثرگذاری لازم را پیدا نماید. به‌ویژه اینکه جریان اصولگرایی در ایران همچنان پشت دیوارهای مفاهیم جغرافیایی همچون همسایه و دولت ملی باقی مانده و قادر به گذار به مرحله همسایگی و کم‌رنگ دیدن مرزهای جغرافیایی نگردیده است.

۲-۶- سطح منطقه‌ای

دسته دوم موانع اجرای سیاست حسن همسایگی از سوی ایران به سطح منطقه‌ای بازمی‌گردد. در سطح منطقه، نوعی بی‌اعتمادی عمیق نسبت به ایران و سیاست‌های آن وجود دارد. دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس سیاست‌های ایران در سوریه، لبنان، یمن و عراق را سازنده تلقی نمی‌کنند. به اعتقاد آن‌ها، ایران در حال گسترش بخشیدن هلال شیعی در سراسر منطقه است و این کار را به بهای بی‌ثبات‌سازی نظام‌های سیاسی در این کشورها دنبال می‌کند (گلدبرگ، ۲۰۱۸: ۳۰).

از نظر آن‌ها اکنون که ایران به واسطه ناآرامی‌های داخلی و بحران مشروعیت ضعیف‌تر از دهه ۱۹۸۰ گردیده، دلیلی برای امتیاز دادن به آن وجود ندارد. بنابراین، شاید بهتر باشد به جای در پیش گرفتن سیاست حسن همسایگی با تهران، از سایر استراتژی‌ها و ابزارها برای رسیدن به مقصود بهره جست (برزویی، تمدن و جهان‌بازی گوجانی، ۲۰۲۱). نتیجه این دست استنتاجات سیاسی اشتباه، طولانی شدن مذاکرات تنش‌زدایی ایران و همسایگان گردیده است. از نظر دولت‌های عرب منطقه، روندی که ایران در پیش گرفته است حرکت به سوی رهبری منطقه و گسترش بخشیدن نفوذ سیاسی خود است (کیننمونت، ۲۰۱۵: ۳۱). ایران این کار را از طریق شبکه‌سازی و تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی در سراسر منطقه دنبال نموده است. به زعم آن‌ها، اگرچه ترور شهید قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران، از سرعت اقدامات منطقه‌ای ایران تا حدی کاسته است، اما آن را متوقف نساخته است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که ایران و شبه‌نظامیان مورد حمایت آن، بعد از ترور شهید قاسم سلیمانی از اهداف خود عقب‌نشینی نکرده‌اند؛ بلکه «تفکر و ترتیب مجدد اولویت‌ها و اقدامات در میدان» را تغییر داده‌اند. بنابراین، همچنان «شبه‌نظامیان [شیعه] مطابق با منافع و ایدئولوژی خود به فعالیت‌هایشان ادامه می‌دهند» (النوفل، ۲۰۲۰: ۲).^{۳۲}

در همین راستا، برخی تحلیلگران غربی همچون پارکر و نواک معتقدند ایران پس از ترور شهید سلیمانی از طریق حزب‌الله، شبکه نیابتی مورد حمایت خود را در سوریه مدیریت کرده است؛ چرا که حزب‌الله «شریکی قدرتمند» است و «نفوذ زیادی در این کشور دارد» (پارکر و نواک، ۲۰۲۰: ۱).^{۳۳} پذیرش رهبری ایران بر خاورمیانه و گسترش بخشیدن نفوذش از سوی عربستان سعودی و سایر دولت‌های حاشیه خلیج فارس غیرقابل تصور است. ریاض به هیچ وجه حاضر به اشتراک‌گذاری نقش رهبری جهان اسلام و منطقه با ایران نیست. بنابراین، می‌کوشد تا با برجسته‌سازی احساسات ناسیونالیستی، اعراب را علیه ایران برانگیزاند (گرومت، ۲۰۱۵: ۳۴).^{۳۴}

۳-۶- سطح بین‌المللی

سیاست خارجی ایران برای اجرای سیاست حسن همسایگی در سطح بین‌المللی با دو دسته مشکل مواجه است: نخست اینکه تنش‌زدایی ایران با اعراب، اگرچه به نفع متحدین آمریکا (به‌جز اسرائیل) در منطقه است، اما با سیاست‌های کلی مهار ایران از سوی کاخ سفید در تعارض قرار دارد. بهبود روابط ایران با همسایگان به تهران فرصت خواهد داد تا خود را از حلقه انزوای ژئوپلیتیکی و اقتصادی خارج ساخته و به کنشگری فعال آن در منطقه بینجامد.

³⁰ Goldberg

³¹ Kinninmont

³² Al Nofal

³³ Parker & Noack

³⁴ Grumet

این امر به معنای شکست کارزار فشار حداکثری است که ترامپ در سال ۲۰۱۸ آغاز کرد و بایدن آن را تداوم بخشید (کاخ سفید، ۲۰۲۱). علاوه بر این، این کشورها پس از تنش‌زدایی نیاز کمتری به حمایت سیاسی واشنگتن در برابر ایران پیدا خواهند کرد و این امر ابزار چانه‌زنی سیاسی کاخ سفید را از دست آن خارج خواهد ساخت. کشورهای عربی در سال ۲۰۱۹ و پس از حملات پهبادی به آرامکو، تردیدهای جدی نسبت به حمایت نظامی آمریکا از آنها پیدا نمودند (دج، ۲۰۱۹)^{۳۵}. روند عادی‌سازی روابط با ایران می‌تواند این همراهی را کمتر نیز سازد.

همچنین عادی‌سازی روابط ایران و همسایگان و کاهش تنش‌های سیاسی بین آنها، منافع اقتصادی آمریکا را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. از یک سو، این کشورها انگیزه کمتری برای درخواست خریدهای نظامی جدید از واشنگتن خواهند داشت و از سوی دیگر، همراهی لازم برای کاهش قیمت نفت با آمریکا را نشان نخواهند داد. آنها ترجیح خواهند داد تا در غیبت ایران از بازارهای صادراتی انرژی، با قیمت‌های بالاتر به منابع مالی بیشتری برای پروژه‌های بلندپروازانه خود دست پیدا کنند. نشانه‌هایی از این عدم همراهی با واشنگتن در جریان تحریم روسیه از سوی عربستان نمایان گردید (انگلستان و الاطروش، ۲۰۲۲).

بهبود روابط ایران با همسایگان به سود روسیه، قدرتمندترین همسایه تهران، نیز نیست. روسیه که در روند نزولی کاهش تأثیرگذاری منطقه‌ای و جهانی خود قرار گرفته است، برای حفظ موازنه قدرت در خاورمیانه به حضور ایران در برابر اعراب نیاز دارد. این کشور با همراهی و کمک ایران توانست تا مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی (طرطوس و لاذقیه) خود در سوریه را حفظ کند. همچنین حفظ فشار اسد در مسند قدرت مانع از اجرای پروژه انتقال گاز قطر به ساحل مدیترانه و خروج اهرم انرژی از دست روسیه گردید (لین، ۲۰۱۵: ۴). آثار این تصمیم راهبردی در جریان بحران اوکراین ۲۰۲۱ و محدودیت صادرات انرژی روسیه به اروپا نمایان گردید.

مسکو برای مدیریت بازی سیاسی خود در برابر اسرائیل (متحد استراتژیک آمریکا) در منطقه نیاز به اهرم ایران دارد. این کشور به مدت سه دهه قادر گردیده تا از یک سو از طریق ایران گروه‌های مقاومت فلسطینی و لبنانی را کنترل نماید و از سوی دیگر دست به چانه‌زنی‌های سیاسی در برابر اسرائیل زند. مسکو با مدیریت فروش تسلیحات نظامی به تهران و همکاری‌های فنی و سیاسی در پرونده هسته‌ای به گونه‌ای رفتار نموده است که رضایت تل‌آویو حاصل شده است (کاتز، ۲۰۱۸)^{۳۶}. عدم فعالیت سامانه‌های پدافندی این کشور در سوریه در برابر حملات مکرر اسرائیل به مواضع جبهه مقاومت در خاک سوریه، نشان بارزی از همسویی منافع دو طرف برای مهار قدرت ایران در غرب آسیا است. مسکو تمایل ندارد که چرخش در سیاست منطقه‌ای ایران، بازی سنتی مسکو در این منطقه حساس و راهبردی را بر هم زند (هیلترمن، ۲۰۱۸؛ ترنین، ۲۰۱۸)^{۳۷}.

نتیجه‌گیری

اگرچه دولت ابراهیم رئیسی اشتیاق فراوانی برای اعمال سیاست همسایگی از خود نشان داد، اما پیاده‌سازی این راهبرد با دشواری‌های خاص خود مواجه گردید. آنچه از این سیاست حاصل شد، مجموعه‌ای از سفرهای منطقه‌ای به عمان و قطر و احیای روابط با عربستان و امارات بود. پیش از انجام این سفرها نیز ایران از سطح روابط مطلوبی با دو کشور

^{۳۵} Detsch

^{۳۶} Katz

^{۳۷} Hiltermann, Trenin

نخست بر خوردار بود؛ لذا تعاملات فوق را نمی‌توان یک دستاورد سیاسی در نظر گرفت. اگر دولت رئیسی می‌توانست تنش‌زدایی را از سطح احیای روابط با عربستان و امارات فراتر برده و به سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله بحرین و کویت تسری دهد و آن‌ها را از مدار اسرائیل خارج سازد، می‌شد مدعی شد که در اجرای سیاست همسایگی موفق عمل کرده است.

کوتاه بودن عمر دولت و وقوع سانحه هوایی برای ریاست دولت در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ موجب گردید تا سیاست همسایگی خیلی زود به پایان خود نزدیک گردد. در سطح بین‌المللی نیز روند تحولات سیاسی، به‌ویژه انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا و حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، شرایطی را در منطقه و جهان رقم زد که هم پای ایران را به بحران اوکراین باز کرد و هم به تشدید تنش ایران با اسرائیل منتهی شد. وقوع عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نیز پیچیدگی تحولات منطقه را بیشتر ساخت. این عملیات به جنگ دو ساله اسرائیل در غزه انجامید که محور مقاومت و ایران را کاملاً درگیر ساخت. در نتیجه، ایران مجبور گردید همزمان از حماس، حزب‌الله، انصارالله یمن و بشار اسد در برابر تهاجم اسرائیل حمایت نماید. گستردگی جبهه مورد حمایت ایران، گرفتاری روسیه در اوکراین و بی‌طرفی چین در تحولات منطقه عملاً زمینه‌های فشار بیشتر بر جبهه مقاومت را افزایش داد. لذا با حمایت گسترده غرب و همراهی کشورهای منطقه، به‌ویژه ترکیه و قطر، دولت بشار اسد سقوط کرد و دست اسرائیل برای جنگ علیه ایران و حزب‌الله بازتر شد. دامنه این رویارویی حتی به داخل ایران نیز کشیده شد و ایران و اسرائیل برای نخستین بار دست به عملیات نظامی علیه یکدیگر زدند.

رخدادهای فوق و آنچه پس از آن در دولت مسعود پزشکیان رخ داد، نشان داد اجرای سیاست همسایگی بدون تغییر و تحول در روابط ایران با قدرت‌های بزرگ و حل موضوعات مهم سیاست خارجی، شانس اندکی برای موفقیت دارد. ایران در بهترین حالت تنها می‌تواند دیپلماسی همسایگی را در قالب ابتکارهای کوتاه‌مدت و تاکتیکی پیش ببرد و نه به صورت بلندمدت و استراتژیک.

پیشنهادهای سیاستی

موفقیت در پیشبرد و اجرای سیاست همسایگی در سیاست خارجی ایران مستلزم اتخاذ گام‌های زیر است:

۱- بخش عمده‌ای از مشکلات ایران با همسایگانش به‌خاطر سوءبرداشت‌ها و عدم ادراک صحیح از برنامه‌های منطقه‌ای و امنیتی تهران و بی‌اعتمادی متقابل است. برگزاری گفت‌وگوهای منطقه‌ای در سطوح مختلف کارشناسی، مدیران و وزیران امور خارجه می‌تواند زمینه رسیدن به برداشت‌های مشترک را فراهم سازد.

۲- ایران باید در نقش‌های تعریف‌شده برای سیاست خارجی خود بازنگری‌هایی انجام دهد. برخی از این نقش‌ها با مقتضیات داخلی، منطقه‌ای و نظام بین‌الملل سازگاری ندارد. تجربه موفق در این زمینه، تجربه دولت‌های قطر و عمان در خصوص برعهده گرفتن نقش میانجی و پیونددهنده است.

۳- سیاست‌های ایران در خصوص بازیگران غیردولتی در منطقه مورد پذیرش همسایگانش نیست. این بازیگران رویکرد ایران را نوعی مداخله در امور داخلی خود تلقی می‌کنند. نوع حمایت‌ها و ارتباطات ایران با بازیگران غیردولتی باید به گونه‌ای تنظیم گردد که ایجاد حساسیت نکند یا منجر به سوءتفاهم نگردد.

۴- امنیت ایران از امنیت منطقه و همسایگانش جدا نیست. بنابراین ایران باید بکوشد با همسایگان خود به دغدغه‌های امنیتی مشترک برسد و برای آن راه‌حل‌هایی مبتنی بر فرهنگ، تاریخ و سنت‌های مشترک بیابد. پذیرش مسئولیت دسته‌جمعی در تأمین امنیت منطقه از جمله این راه‌حل‌ها است. اگر بازیگران منطقه به این جمع‌بندی برسند که سیاست‌های ایران تهدیدی علیه آن‌ها نیست، به تدریج فاصله‌گذاری امنیتی خود از بازیگران فرامنطقه‌ای را بیشتر خواهند کرد. این سیاست می‌تواند به ایران کمک کند تا در میان‌مدت و بلندمدت در دغدغه‌های امنیتی و هزینه‌های نظامی خود بازنگری‌هایی نماید.

۵- سیاست همسایگی در پرتو سیاست کلی تنش‌زدایی موفق خواهد شد. مادامی که ایران با قدرت‌های بزرگ دارای تنش باشد یا پرونده‌های سیاسی-امنیتی مفتوح در سازمان‌های بین‌المللی داشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که همسایگانش روابط عادی و رو به جلو با آن را تجربه کنند. بنابراین گفت‌وگوهای مستقیم، کلید حل اختلافات سیاسی و فنی ایران با سایر بازیگران است.

Resources

- Abbasi Khoshkar, A. (2021). Neighborhood policy strategy and multilateral geo-economic order-making: The Islamic Republic of Iran and the Eurasian Economic Union. *International Organizations*, 5(2), 197–216. [In Persian]
- Abedi, A., & Mirmohammadi, M. (2021). *Neighborhood policy of the Islamic Republic of Iran; Necessities and requirements*. Tehran: Moasseseh Abrar-e Moaser Tehran. [In Persian]
- Aboudi, S., & Fahmy, O. (2017, May 2). Powerful Saudi Prince sees no chance for dialogue with Iran. *Reuters*. <https://www.reuters.com/article/us-saudi-prince-iran/powerful-saudi-prince-sees-no-chance-for-dialogue-with-iran-idUSKBN17Y1FK>
- Acharya, A., & Buzan, B. (2010). Why is there no non-Western international relations theory? In A. Acharya & B. Buzan (Eds.), *Non-Western international relations theory: Perspectives on and beyond Asia*. Routledge.
- Al Nofal, W. (2020, January 14). Iran's post-Soleimani strategy in Syria. *Syria Direct*. <https://syriadirect.org/irans-post-soleimani-strategy-in-syria/>
- Amirabdollahian, H. (2021, October 8). Amirabdollahian: We have reached specific agreements with Saudi Arabia. *Tasnim News Agency*. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/07/16/2585901> [In Persian]
- Arabpour, A. (2019). Iran's economic diplomacy with neighbors. *Iran Think Tanks*. <https://iranthinktanks.com/iran-economic-diplomacy-with-neighbors> [In Persian]
- Bagheri Dolatabadi, A. (2022). Ontological security and Iran's missile program. *All Azimuth*, 11(2), 233–255. <https://doi.org/10.20991/allazimuth.1150303>
- Bagheri Dolatabadi, A., & Kamrava, M. (2021). The Covid-19 pandemic and Iranian health diplomacy. *Middle East Policy*, 28(4), 1–17. <https://doi.org/10.1111/mepo.12592>
- Bagheri Dolatabadi, A., & Kamrava, M. (2022). Iran's changing naval strategy in the Persian Gulf: Motives and features. *British Journal of Middle Eastern Studies*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1080/13530194.2022.2105815>
- Bagheri Dolatabadi, A., & Shafiei Seifabadi, M. (2021). *Iran's foreign policy from 1979 to 2021: A look from inside*. Tehran: Tisa. [In Persian]
- Beck, E. R. (1939). The Good Neighbor Policy, 1933–1938. *The Historian*, 1(2), 110–131.
- Borzooei, M. R., Tamadon, A. R., & Jahanbazi Goojani, R. (2021). Saudi Arabia's cyber diplomacy with Iran on Twitter; Case study of riots in January 2017. *Bi-quarterly Scientific Journal of Religion & Communication*, 28(1), 33–66.
- Burchill, S. (2005). Liberalism. In S. Burchill et al., *Theories of international relations* (3rd ed.). Palgrave Macmillan.
- Buzan, B. (2002). The Middle East: A structure always prone to conflict. *Foreign Policy*, 16(3), 633–680. [In Persian]
- Buzan, B. (2016). Could IR be different? *International Studies Review*, 18(1), 155–157.
- Detsch, J. (2019, September 30). Trump intensifies 'Arab NATO' talks after Iran strike. *Al-Monitor*. <https://www.al-monitor.com/originals/2019/09/trump-intensifies-arab-nato-talks-iran-strike.html>
- Dunne, T., Kurki, M., & Smith, S. (2013). *International relations theories*. Oxford University Press.
- Ekhtiari Amiri, R., & Mohammadi, M. (2021). The impact of the Zionist regime's relations with the Persian Gulf countries on Iran's neighborhood policy. *Foreign Policy*, 35(3), 129–150. [In Persian]
- Elahi, N., Masoumzadeh, E., Kiaalhosseini, Z., & Arabi, H. (2020). Regionalism and its economic effects on Iran in a computable general equilibrium (CGE) model: A case study of the Eurasian Economic Union (EAEU). *International Economics Studies*, 50(2), 29–26. <https://doi.org/10.22108/IES.2020.116971.1065>
- England, A., & Al-Atrush, S. (2022, May 22). Saudi Arabia signals support for Russia's role in OPEC+ as sanctions pressure mounts. *Financial Times*. <https://www.ft.com/content/87ac05cd-d1e4-4495-8064-60d97b17f5f4>
- European Commission. (2015, November 18). *Review of the European Neighbourhood Policy*. https://neighbourhood-enlargement.ec.europa.eu/system/files/2019-01/151118_joint-communication_review-of-the-enp_en.pdf
- Ghorbani, V. (2021). The evolution of contemporary China's neighborhood policy: Trends, features and initiatives. *Foreign Policy*, 35(3), 65–90. [In Persian]
- Goldberg, J. (2018, April 2). Saudi Crown Prince: Iran's Supreme Leader "makes Hitler look good". *The Atlantic*. <https://www.theatlantic.com/international/archive/2018/04/mohammed-bin-salman-iran-israel/557036/>
- Grumet, T. R. (2015). *New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's rivalry* (Master's thesis). University of Denver. <https://digitalcommons.du.edu/etd/1028>
- Hiltermann, J. (2018, February 13). Russia can keep the peace between Israel and Iran. *The Atlantic*. <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iran/russia-can-keep-peace-between-israel-and-iran>

- Hobbes, T. (2011). *Leviathan*. CreateSpace Independent Publishing Platform.
- Hosseini, M. T. (2021). The policy of good neighborliness and the necessity of confidence building in the Persian Gulf. *Foreign Policy*, 35(3), 35–48. [In Persian]
- Ighani, H. (2016, October 25). Managing the Saudi-Iran rivalry. *Council on Foreign Relations*. <https://www.jstor.org/stable/resrep05680>
- Iran Newspaper. (2022, October 12). 24 billion dollars of trade with neighbors. <https://www.pishkhan.com/news/280621> [In Persian]
- Iran Trade Promotion Organization. (2022). *Trade statistics - Selected markets*. <https://tpo.ir> [In Persian]
- Jamshidi, M. (2021, December 11). Iran's neighborhood policy has been effective in the last one hundred days. *Borna News Agency*. <https://www.borna.news/fa/tiny/news-1272680> [In Persian]
- Jongberg, K., et al. (2021). *The European Neighbourhood Policy*. European Parliament. <https://www.europarl.europa.eu/>
- Kalicka-Mikolajczyk, A. (2019). The good neighbourliness principle in relations between the European Union and its Eastern European neighbours. *Adam Mickiewicz University Law Review*, 9(1), 137–150.
- Kamrava, M., & Bagheri Dolatabadi, A. (2024). Iran's Neighborhood Policy: Parameters, Objectives, and Obstacles. *Middle East Policy*, 31(4), 56–73. <https://doi.org/10.1111/mepo.12781>
- Katz, M. N. (2018). Russia and Israel: An improbable friendship. In *Russia's return to the Middle East; Building sandcastles?* (pp. 103–108). EUISS.
- Khalili, M. (2018). Iran, the country with many neighbors, and multi-neighborhood foreign policy. *Political Geography Research*, 3(3), 123–146. [In Persian]
- Kinninmont, J. (2015, May 7). Saudi Arabia reshuffle presages more assertive foreign policy. *Chatham House*. <https://www.chathamhouse.org/2015/05/saudi-arabia-reshuffle-presages-more-assertive-foreign-policy>
- Lin, C. (2015). Syrian buffer zone–Turkey-Qatar pipeline. *ISPSW Strategy Series*, 367(1), 1–5.
- Lin, D. K. (2010, June). Good neighbor or bad neighbor? Explaining China's neighborhood policies. Paper presented at the 16th Annual North America Taiwan Studies Conference.
- Matiesen, T. (2019). *The Shia of Saudi Arabia: Shia, resistance, sectarianism* (A. Rafiee Ghahsareh & E. Barzegar, Trans.). Tehran: Sarv Andisheh. [In Persian]
- Mearsheimer, J. J. (1994–1995). The false promise of international institutions. *International Security*, 19(3), 5–49.
- Mohammadi, M. (2005). The global reflection of the Islamic Revolution. *Islamic Revolution Studies Quarterly*, 8(2), 51–84. [In Persian]
- Nissenbaum, D. (2022, April 10). Israel's 'war between the wars' with Iran expands across Middle East. *The Wall Street Journal*. <https://www.wsj.com/articles/israels-war-between-the-wars-with-iran-expands-across-middle-east-11649595603>
- Nye, J. S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. Public Affairs.
- Parker, C., & Noack, R. (2020, January 3). Iran has invested in allies and proxies across the Middle East. *The Washington Post*. <https://www.washingtonpost.com/world/2020/01/03/iran-has-invested-allies-proxies-across-middle-east-heres-where-they-stand-after-soleimanis-death/>
- Plan and Budget Organization. (2017). *The law of the fifth five-year development plan for economic, social and cultural development of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Country Plan and Budget Organization. [In Persian]
- Raisi, S. E. (2021, July 24). Raisi: Dialogue with neighbors will be the priority of the 13th government's diplomacy. *IRNA News Agency*. <https://www.irna.ir/news/84414800> [In Persian]
- Rezaei, F. (2019). *Iran's foreign policy after the nuclear agreement: Politics of normalizers and traditionalists*. Springer.
- Robinson, K. (2022, October 18). How much influence does Iran have in Iraq? *Council on Foreign Relations*. <https://www.cfr.org/in-brief/how-much-influence-does-iran-have-iraq>
- Sabaghian, A. (2022). Foundations and functions of the European Neighborhood Policy; Lessons for Iran's neighborhood policy. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 3(10), 8–54. [In Persian]
- Safavian, S. H., & Farhadi, F. (2021). Neighborhood policy: An approach for the Islamic Republic of Iran in the regional order of West Asia. *Foreign Policy*, 35(3), 5–34. [In Persian]
- Salama, S. (2021, March 14). Saudi Arabia: World must prevent Iran from developing missile programme. *Gulf News*. <https://gulfnews.com/world/gulf/saudi/saudi-arabia-world-must-prevent-iran-from-developing-missile-programme-1.77821445>
- Sepehri, K., Qazvini, H., & Poulimi, R. (2000). Structural requirements for the development of non-oil exports. *Economic Research and Policies*, 13(1), 23–47. [In Persian]
- Sheykholeslami, M. H. (2022, January 25). Speech at the National Conference on Neighborhoodhood. Tehran: Center for Political and International Studies. [In Persian]
- Shirgholami, K. (2021). The neighborhood policy of the Islamic Republic of Iran: Economic foundations. *Foreign Policy*, 35(3), 49–64. [In Persian]

- Shuyong, G., & Boran, L. (2020). The myth of the new Cold War. *Chinese Journal of International Review*, 2(2), 1–16.
- Simbar, R., & Gholamnia, H. (2021). Economic diplomacy of the Islamic Republic of Iran with the Eurasian Economic Union; A case study of tariff cooperation. *Central Asia and The Caucasus Journal*, 27(113), 1–20. [In Persian]
- Smith, K. E. (2005). The outsiders: The European Neighbourhood Policy. *International Affairs*, 81(4), 757–773.
- Szczudlik-Tatar, J. (2015). Dual-track neighbourhood policy: Solidifying China's leadership in Asia. *Bulletin No. 758*. Polish Institute of International Affairs. https://pism.pl/publications/Dual_Track_Neighbourhood_Policy_Solidifying_China_s_Leadership_in_Asia
- Tahaie, S. J., & Mousavi Nia, S. R. (2013). Neighborhood; A theory for Iran's foreign policy. *Islamic Politics Research*, 1(4), 165–192. [In Persian]
- The White House. (2021). *Interim national security strategic guidance*. <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2021/03/NSC-1v2.pdf>
- Tickner, A. B. (2016). Knowledge is power: Challenging IR's Eurocentric narrative. *International Studies Review*, 18(1), 157–159.
- Trenin, D. (2018). What drives Russia's policy in the Middle East? In N. Popescu & S. Secrieru (Eds.), *Russia's return to the Middle East* (pp. 21–28). EUISS.
- Tulmets, E. (2006). The European Neighbourhood Policy: A framework for modernisation? European University Institute. <https://www.eui.eu/documents/departmentscentres/law/professors/cremona/theeuropeanneighbourhoodpolicy/papertulmets.pdf>
- Waltz, K. (1979). *Theory of international politics*. McGraw-Hill.
- Waltz, K. (1991). America as a model for the world? A foreign policy perspective. *PS: Political Science & Politics*, 24(4), 667–670. <https://doi.org/10.2307/419401>
- Walzer, M. (1977). *Just and unjust wars: A moral argument with historical illustrations*. Basic Books.
- Wood, B. (1961). *The making of the Good Neighbor Policy*. Columbia University Press.
- Zimmern, A. (1936). *The League of Nations and the rule of law*. Macmillan.